

توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کارایران

فروردین ماه ۱۳۹۵ آوریل ۲۰۱۶

شماره ۱۱۷

toufan@toufan.org

www.toufan.org

شادباش نوروزی حزب کارایران (توفان) نوروزتان شادومبارک باد!



چرا رژیم تبهکار جمهوری اسلامی دستمزدی
یکچهارم خط فقر به طبقه کارگر تحمیل می کند؟



فرچنده باد هشتم مارس روز همبستگی زنان سرا سر جهان!
بیانیه حزب کارایران (توفان)



درحاشیه سفر باراک اوباما به کوبا
کوبا به کجا می رود؟



آیا پایانی بر این تروریسم متصور است؟
پیرامون ترور در بلژیک

- چند پیام نوروزی از سوی کارگران دربند ایران:
- پیام نوروزی رضا شهابی به مادران داغدیده
- بخشی از پیام تبریک عید زندانیان سیاسی بند ۴ زندان گوهردشت (رجایی شهر کرج)
- بخشی از نامه اعتراضی جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه علیه خصوصی سازیها و سطح نازل دستمزد
- فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل، در محکومیت حکم زندان علیه رضا شهابی

گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به چند سوال

شادباش نوروزی حزب کار ایران (توفان)

نوروزتان شادومبارک باد!

طبیعت در آستانه بهار، سیمای زیبای خود را عرضه میکند و سنتن همانگونه که طبیعت هیبت نو برتن می آراند، مردم میهن ما نیز می بایست باگرامیداشت این سنت ارزنده با جامه نو برتن و خنده شادمانه بر لب سال کهنه را پشت سرگذاشته و به استقبال نوروز شتابند، می بایست هر سال با آموزش و دستاوردهای نوین از سال کهن به سازندگی و پیشرفت در همه عرصه ها در سال نو بپردازند. اما در کمال تاسف و تأثر در ایران ما وضع بگونه دیگری است. وضع برآستی به مصداق ضرب المثل "سال بسال دریغ از پارسال" شده است. زحمتکشان میهن ما گرچه میکوشند علیرغم کوششهای مرتجعانه و ضدفرهنگی و ضد سنن ملی هئیت عامه بسر حاکم با برگزاری مراسم عید نوروز سنن ارزنده ملی را زنده نگاهدارند و در این راه نیز با هئیت حاکمه به ستیز برمی خیزند، ولی اوضاع حاکم بر کشور آن خنده شادمانه واقعی را از لبها زدوده است.

مردم میهن ما یا در غم از دست رفتگان سوگوارند یا در اثرویرانگری اقتصادی در فلاکت و بی خبری و انتظار بصرمی برند. نه از پیشرفت خبری هست و نه از ترقی و تعالی نشانی. در کشور ما آموزش نیز نه در زمینه فرهنگ و صنعت و تولید که بر محور آیات و روایات کهنه و پوسیده، دلالی و رانتخواهی و بده بستان مافیایی دور میزند. آخوند در عین کینه ورزی به سنن ملی، کهنه پرست است. او به همین دلیل با پیشرفت و تمدن و ترقی که پیوسته نومی طلبند و کهنه را بدور می افکنند عمیقن مخالف است و این کهنه پرستی خودریشه بسیاری از مصائبی است که بر میهن ما روی آورده است و در اشکال مختلفی ادامه دارد.

در سال گذشته حجم کالاهای وارداتی مصرفی از همیشه بیشتر شده و در نتیجه حجم بیشتری از پول کشور را بخود اختصاص داد. در سال گذشته علیرغم ادعاهای گوش خراش "مبارزه با مواد مخدر" عده بیشتری از جوانان کشور در چنگال این مواد تباه کننده اسیر گشتند. در سال گذشته مردم میهن ما بیشتر از گذشته با فقر و محرومیت دست و پنجه نرم کردند. بی شماران بیکار شهروده از گرسنگی و بی خانمانی با مرگ دست و پنجه نرم میکنند. آنها هم که از درآمدی برخوردارند به علت وجود تورم و سیر صعودی افزایش قیمت و در نتیجه پائین آمدن قدرت خرید با وضعی به مراتب وخیمتر از سال پیش روبرویند. حداقل دستمزد برای سال ۹۵ هم که حدود ۸۱۲ هزار و ۱۶۶ تومان تعیین شده است به معنی تشدید فشار بر زحمتکشان و شیریه جانشان را کشیدن است. رژیم خون آشام جمهوری اسلامی در سال گذشته به سیاست زندان، شکنجه، اعدام و سرکوب دگراندیشان بویژه فعالین کارگری ادامه داد. در یک کلام سالی که گذشت در فقر و گرانی و رشوه و فساد و زدنی های کلان پیشروی داشتیم و نمونه بابک زنجانیها قطره ای در دریاست و سر نخ همه این زردان به بالائیهای صاحب منصب شورای نگهبان و مجلس خبرگان و شورای مصلحت اسلامی، مجلس شورای اسلامی و کلیت سرمداران مافیای حاکم وصل است و جز این نیست. در سالی که گذشت رژیم ملایان از موضع ضعف و خیانت با کشورهای ۵ + ۱ در وین به نتیجه رسید. رژیم جمهوری اسلامی این تسلیم زبوانه را یک پیروزی بزرگ جلوه داد. در حالی که اورانیوم غنی شده ۲۰ درصدی ایران به کمتر از ۳،۶۷ درصد کاهش یافت، تعداد سانتر فیوزها از ۱۹۰۰۰ به ۵۰۶۰ تقلیل یافت، تعطیل شدن آب سنگین اراک و تاسیسات فردو و با نظارت ۲۵ ساله در قالب قرارداد پروتکل الحاقی بر ایران نیز تحمیل گردید. کل خسارت مالی ایران حداقل ۲۰۰ میلیارد دلار برآورد گردید..... چه وقیحانه است پذیرش یک سیاست نواستعماری و خیانت به منافع ملی مردم را پیروزی و تضمینی برای صلح جلوه داد!

و عده سرمایه گذاری خارجی در ایران و امتیاز دادن به کلان سرمایه داران بین المللی در قالب نو لیبرالیسم جز وخیمتر کردن وضعیت معیشتی مردم بویژه کارگران و مزدبگیران زحمتکش ثمری نخواهد داشت. ملایان مرتجع حاکم برای حفظ قدرت خویش هر خیانت و زد و بند بیشرمانه با جهانخواران بین المللی را با یک آیه و در پوشش مصلحت الهی توجیه میکنند تا چند صباحی بر عمر نکبتبارشان بیافزایند. حزب کار ایران (توفان) نوروز این سنت ارزنده ملی را به همه کارگران، به همه زحمتکشان، به همه معلمان، به همه دانشجویان، به همه زنان مبارز سراسر ایران، به همه خانواده های جانباختگان راه آزادی، به کارگران مبارز زندانی و همه زندانیان شریفی که پرچم مبارزه را در زندانها و شکنجه گاههای رژیم برافراشته اند و به همه رفقا و یاران و همه کسانی که در راه آزادی و سعادت ستمدیدگان میروند شاد باش می گوید و برایشان در پیکار علیه رژیم تبهکار سرمایه داری جمهوری اسلامی پیروزی آرزومی کند. به امید فرا رسیدن نوروز مردم ایران. نوروزتان پیروز باد!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بدست مردم ایران!

زنده باد سوسیالیسم این پرچم نجات بشریت!

دست امپریالیستها از ایران و منطقه کوتاه باد!

حزب کار ایران (توفان)

اسفند هزار و سیصد و نود و چهار خورشیدی

چرا رژیم تبه‌کار جمهوری اسلامی دستمزدی یک‌چهارم خط فقر به طبقه کارگر تحمیل می‌کند؟

در ۱۹ اسفند ماه ۹۴ دستمزد کارگران در سال ۹۵ با افزایشی یکصد هزار تومانی و یا ۱۴ درصدی برابر با ۸۱۲ هزار تومان اعلام گردید؛ این اقدام دولت جمهوری اسلامی با اطلاع و آگاهی کامل و دقیق نسبت به خط فقر و میزان واقعی سبد هزینه یک خانوار چهار نفره، که طبق قانون حداقل دستمزد نباید کمتر از آن باشد، توسط ارگانهای مختلف دولتی و رسمی و غیر رسمی و مستقل اعلام شده بود، به میزان یک‌چهارم خط فقر واقعی تعیین می‌شود.

مرکز پژوهشهای مجلس، خط فقر را دومیلیون و ۳۰۰ هزار تومان و کانون عالی شوراهای اسلامی کار، سبد هزینه کارگران را دومیلیون و ۷۴۴ هزار تومان و بانک مرکزی نرخ سبد معیشتی را دو میلیون و ۷۰۰ هزار تومان و مرکز آمار ایران سبد هزینه را سه میلیون و ۲۰۰ هزار تومان و تحقیقات مستقل خبرگزاریها و تشکلهای مستقل کارگری حداقل هزینه های یک خانواده چهار نفره را بیش از سه میلیون و پانصد هزار تومان اعلام کردند.

نمودارهای زیر که محصول بررسی خبرگزاری مهر در آبان ماه سال ۹۳ یعنی یکسال و نیم پیش است با احتساب حداقل ۲۰ درصد تورم ۱۸ ماهه اخیر کاملاً مهر تائیدی است بر محاسبه تشکل‌های مستقل کارگری که سبد هزینه یک خانواده چهار نفره را بیش از سه و نیم میلیون تومان در اسفند ماه اعلام کرده اند.

				28,684,244	سهم کل سبد خانوار 4 نفره در آبان 93 (دولتی)
				32,986,880	سهم کل سبد خانوار 4 نفره در آبان 93 (آزاد)
سهم هر يك از اقلام در سبد هزینه آبان 93					
شرح	سال پایه 100	تقریب اهمیت	آبان دولتی	آبان - آزاد	
سهم خوراکی	27.38		7,853,746	9,031,808	
سهم دخانیات	0.35		100,395	115,454	
سهم مسکن	32.82		9,414,169	10,826,294	
سهم کفش و پوشاک	4.94		1,417,002	1,629,552	
سهم اتا‌ته	5.13		1,471,502	1,692,227	
سهم بهداشت و درمان	6.98		2,002,160	2,302,484	
سهم حمل و نقل	9.87		2,831,135	3,255,805	
سهم ارتباطات	2.38		682,685	785,088	
سهم امور فرهنگی و تفریح	2.85		817,501	940,126	
سهم تحصیل	2.24		642,527	738,906	
سهم رستوران و هتل	1.86		533,527	613,556	
سهم کالاهای و خدمات متفرقه	3.2		917,896	1,055,580	
سهم کل سبد خانوار 4 نفره در يك ماه	100		28,684,244	32,986,880	

حداقل سبد هزینه خواربار يك خاتوار چهار نفره در يك ماه (آبان 93)						
نام کالا	مصرف روزانه فرد درجهان (گرم)	مصرف روزانه فرد در ایران (گرم)	مصرف ماهیانه فرد (کیلو)	مصرف ماهیانه 4 نفر	هزینه به کیلو در میدان تره بار، و تعاونی	جمع هزینه ماهیانه آبان 93
نان	68	320	9.600	38.40	9,000	345,600
برنج	60	100	3.000	12.00	60,000	720,000
ماکارونی	20	20	0.600	2.40	24,000	57,600
حبوبات	60	33	1.000	4.00	41,833	167,332
سیب زمینی	70	70	2.100	8.40	9,000	75,600
سیبزی	356	280	8.400	33.60	11,000	369,600
سایر سیبزی جات	356	280	8.400	33.60	9,792	329,011
میوه	400	260	7.800	31.20	19,571	610,615
گوشت قرمز	100	50	1.500	6.00	320,000	1,920,000
گوشت ماهی	50	25	0.750	3.00	94,000	282,000
گوشت مرغ	67	67	2.010	8.04	53,200	427,728
تخم مرغ	66	25	0.750	3.00	41,900	125,700
شیر	822	240	7.200	28.80	15,000	432,000
ماست	67	67	2.010	8.04	34,000	273,360
پنیر	33	33	1.000	4.00	115,000	460,000
کره	8	8	0.250	1.00	240,000	240,000
روغن	40	40	1.200	4.80	185,000	888,000
قند و شکر	14	45	1.350	5.40	24,000	129,600
جمع						7,853,746

مبالغ اقلام مصرفی سبد خواربار دولتی و از میدان میوه و تره بار استخراج شده
سبد خواربار خاتوار 18 قلم اصلی در نظر گرفته شده
ستون 1 جدول خواربار مربوط به استاندارد جهانی می باشد
ستون 2 جدول خواربار مربوط به مصرف روزانه هر فرد ایرانی می باشد که از سایت وزارت بهداشت استخراج شده
مصرف روزانه ایرانی شیر و تخم مرغ و گوشت ماهی و قرمز و میوه و سیبزی جات و حبوبات از مصرف روزانه جهانی خیلی کمتر بوده و مربوط به عدم قدرت خرید می باشد که منجر به تغییر سلیقه در مصرف می شود
مبلغ سبد خواربار خاتوار با وجود فشرده سازی از حداقل دستمزد کمتر می باشد و این یعنی فاجعه
سهم سایر اقلام سبد هزینه در جدول پیوست بیانگر عمق فاجعه می باشد

در ارزیابی سیاستهای اقتصادی نئولیبرالیستی و ضد کارگری جمهوری اسلامی از جمله تعیین حداقل دستمزد به خصوص در شرایط فعلی باید به یک نکته مهم و کلیدی توجه کرد و آن نکته فراهم کردن همه زمینه ها و شرایط (از جمله تغییر و یا حذف قولنین دست و پا گیر) لازم در جهت افزایش هر چه بیشتر نرخ سود برای سرمایه گذارهای انحصارات خارجی نسبت به سایر کشورهای مشابه است. طبیعی است که کاهش حداکثری دستمزدها و محکوم کردن کارگران به مرگ تدریجی در راستای (به قول مقامات جمهوری اسلامی) ایجاد جذابیت لازم برای سرمایه های خارجی است.

اجرای باب اجاره فقه اسلامی در مناسبات کار و تبدیل کارگر به اجیر و بازگشت به دوران برده داری اسلامی هر چند از ابتدای انقلاب ۵۷ مورد تائید آیات عظام و علمای اعلام بوده است و انعکاس آن را در اولین پیش نویس قانون کار اسلامی توسط وزیر کار موسوی، آقای توکلی شاهد بودیم اکنون با ظاهری مدرن و نئولیبرالیستی البته دقیقاً با همان مضمون و محتوا تحت عنوان آزاد سازی دستمزدها در حال اجراست. رژیم ضد کارگری و سرمایه داری جمهوری اسلامی برای حفظ و تداوم حاکمیت سیاسی و منافع طبقاتی خود به خوبی میداند که باید از رشد آگاهی و اتحاد و همبستگی و سازمانیابی و تحزب طبقه کارگر پیشگیری کند و طی ۳۷ سال حاکمیت سرکوبگرانه و تبهکارانه خود آگاهانه و قاطعانه در این راستا عمل کرده است. جنبش کارگری باید صفوف خویش را از افکار مغشوش پاکیزه کند و تلاش کند که دامنه سندیکاها و اتحادیه های خود را توسعه دهد و نگذارد که دفاع از حقوق صنفی- اجتماعی که وظیفه اصلی آنهاست با مسئله کسب قدرت سیاسی که وظیفه حزب سیاسی است در هم ریخته شود. روشن است که طبقه کارگر در نهایت برای رهائی از وضعیت نکبتبار فعلی چاره ای جز مبارزه ای متشکل و سازمان یافته تحت رهبری حزب مارکسیستی لنینیستی خود ندارد. حزب کار ایران (توفان) که خود را ادامه دهنده راه انقلابی حزب کمونیست ایران

حزب حیدرخان عمو اغلو و حزب توده ایران قبل از غلبه رویونیسم می داند و از تجارب ارزشمند این احزاب کمونیستی در مسیر سرنگونی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و استقرار سوسیالیسم بعنوان تنها پرچم رهائی کارگران و زحمتکشان ایران گام بر می دارد، با تمام قوا از مطالبات ریز و درشت کارگران از اضافه دستمزد گرفته تا حق تشکلات صنفی و سیاسی و قراردادهای دسته جمعی و بیمه بیکاری و غیره دفاع میکند و همزمان در افشای انحرافات آنارکوسندیکالیستی و اکونومیستی و ضد حزبی که خاک در چشم کارگران می پاشند و به مشوب افکار می پردازند از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد. برای چاره کارگران و زحمتکشان تشکیلات است و جز این نیست.

فرحنده باد هشتم مارس روز همبستگی زنان سر جهان!

در سال ۱۹۱۰ روز هشتم مارس بعنوان روز بین المللی زن اعلام گردید و از آن پس همه ساله زنان آزاد این روز را گرامی می دارند، ترازنامه مبارزه و دستاوردهای خود را از نظرمیکردانند و همه نیروهای انقلابی و ترقی خواه را برای هدف نهائی یعنی آزادی کامل زن از قیود اجتماعی فرا می خوانند.

اما رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی این جرثومه ارتجاع و واپسگرایی بدون توجه به سنت های بیش از صد ساله هشتم مارس، روز ولادت دختر پیامبر اسلام را بعنوان روز زن ایرانی برگزیده است. اگر روز هشتم مارس روز نوید پیروزی زن است، روز این نوید که زن در جامعه تا مقام و مرتبه یک انسان آزاد و برابر با مرد ارتقاء یابد و واقعاً از حقوق انسانی بر خوردار گردد، روز زن در جمهوری زن ستیز اسلامی نشانه سیر قهقرائی زن بسوی کنیزی و بردگی است، نشانه برقراری قوانین طایفه ای عقب مانده و بدوی آنها در چهارده قرن پیش بر جامعه کنونی ماست. برای کسانی که به قوانین اسلام در مورد زن آشنا می باشند روشن است که تعیین روز تولد فاطمه زهرا بعنوان روز زن در مقابل هشتم مارس نه یک جایگزینی ساده و بی اهمیت بلکه یک سمتگیری روشن بسوی لگدمال کردن زن و پایمال نمودن حقوق انسانی اوست.

بررسی وضع زن ایرانی در خانواده و در اجتماع، از جهت فرهنگی و اقتصادی و..... واقعیت هولناکی را برملا میسازد. در اینجا باید خاطر نشان نمود که عدم برخورداری زنان از حقوق اجتماعی برابر با مردان در ایران تنها بخاطر اعتقادات مذهبی هئیت حاکمه کنونی نیست و به دوران پس از انقلاب تعلق ندارد بلکه قوانین اسلامی که امروز بر زنان جامعه ما تحمیل میگردد و آن را به قهقرا سوق میدهد، در زمان رژیم پهلوی و طبیعتاً قبل از آن نیز اعمال میشد. منتها اکنون با کنار گذاشتن قوانین مدنی و یکه تازی قوانین اسلامی، آن آرایش را که رژیم شاه تحت نام حمایت از خانواده و آزادی زنان بر چهره موقعیت زن ایرانی کشیده بود، زدوده و آن را عریان در مقابل دیدگان جهانیان قرار داده است. تعمق در مورد وضع زنان زحمتکش که اکثریت زنان ما را تشکیل میدهند روشن میسازد که تفاوت اساسی در حقوق انسانی و اجتماعی آنان در گذشته و حال حاصل نگشته است. موقعیت غیر انسانی زنان ایران و وجود اعتقادات اسلامی و بهره گیری از قوانین آن وضع زنان بمراتب وخیم تر است. با توجه به شرایط اقتصادی و فرهنگ حاکم بر جامعه ما، قوانین مدنی و رفرمهای شاهنشاهی "آزادی زن" و غیره نتوانست و نمی توانست وضع اکثریت زنان ایران یعنی زنان زحمتکش را بهبودی بخشد و انقلاب بهمین هم با تمام جانفشانی ها و شرکت گسترده زنان نه تنها نتوانست حقوق پایمال شده آنان را بکف آورد بلکه با کسب قدرت و توسط روحانیت حاکم، زنان به درجات بیشتری به عقب رانده شده اند، بطور خلاصه:

در خانواده، زن از حقوقی متساوی با شریک زندگی خود بهره مند نیست و بنا به درجه فقر و بیسوادی قشر و طبقه ای که به آن تعلق دارد "مقام" دوم، سوم، چهارم و..... را به او اختصاص داده اند. در اکثر خانواده های زحمتکش زنان در برابر تصمیمات شوهر، برادر، برادر شوهر، دای و عمو و.... وحتا اولاد ذکور خود حق کمترین مخالفتی ندارند. کار خسته کننده و دائمی خانه به اضافه بچه داری امکان شرکت در فعالیت های اجتماعی، تحصیل و رشد استعداد های آنان را سلب میکند. اما همین زن از حق قیومیت فرزندان خود بی بهره است.

ازدواج زنان حتا در شهرها و در خانواده های مرفه نیز نه با فکر و انتخاب آنان بلکه اکثرن بنا به اراده پدر و در برخی موارد پدر و مادر انجام میگردد. طبق قوانین ایران چه در گذشته و چه در حال دختر تا سن چهل سالگی بدون اجازه نامه پدر قادر به ازدواج نیست! آیا این قانون که اسلامیت انسانی نیز هست؟ این قانون نشانگر آن است که زن در اسلام و در ایران بمتابه انسانی که خود قادر به تفکر و اتخاذ تصمیم می باشد به حساب نمی آید. قابل توجه آن که عدم برخورداری زن از حق انتخاب تنها به شریک زندگی ختم نمی شود بلکه شامل تمام مسائل حتا انتخاب لباس، شغل و رشته تحصیلی و.... نیز میشود. در مورد طلاق هم وضع زن به همین اندازه و شاید بیش از این اسفناک است. در جامعه ما علی الاصول طلاق - جز برای قشر بسیار کوچکی از زنان متمول - لکه ننگ و یاد نقطه ضعف محسوب میشود. باید استفاده از دادگاههای حمایت از خانواده در زمان رژیم گذشته را نیز با توجه به بیسوادی و فرهنگ حاکم بر اکثر خانواده ها بخصوص زحمتکشان در نظر گرفت. اکنون که دیگر حتا بر روی کاغذ هم

قانونی به حمایت از زنان موجود نیست. وضع زن طلاق گرفته بویژه آنکه شاغل نباشد رقتبار است. زن تنها در جامعه ایران همواره تحت فشار های شدید قرار دارد و محیط اطراف او سرشار از سوء ظن، تهمت و کنجکاوای دیگران است و تنها پیوند ازدواج با مرد شرافت و پاکی اش را تثبیت نموده و وی را تحت حمایت خود قرار میدهد. با روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی این فقر فرهنگی با قوانین رسمی و اسلامی نیز تثبیت شده است و یورش به زنان آنان را نه به مقام دوم بلکه از مقام انسان نیز به عقب رانده است. سرکوب و فقر فرهنگی که رژیم بدان دامن می زند امروز ابعاد تازه ای یافته و توهین و دستبرد به حقوق زنان به حد جنایت علنی رسمی در مورد آنان رسیده است و اسید پاشی به روی زنان تبلوری از این سیاست ضد بشری است.

در دنیای سرمایه داری و امپریالیستی علیرغم تبلیغات فراوان اما از برابری زنان و مردان خبری نیست و زنان اولین قربانیان بحران و رکود اقتصادی هستند. اگر به موقعیت زنان در این جوامع و در زمینه های روبنائی و زیر بنائی چون بهداشت و خدمات پزشکی، آموزش و پرورش، کار و حرفه، حقوق مدنی و جایگاه اجتماعی و سیاسی نظری بیفکنیم، متوجه می شویم که برابری و مساوات میان زن و مرد نه تنها جامه عمل بخود نپوشیده است، بلکه گرایش به پسرفت نیز دارد. تعرض به حقوق زنان در جوامع پیشرفته صنعتی از ماهیت نظام سرمایه داری برمیخیزد و تنها با بر انداختن جامعه طبقاتی میتوان به این وضع پایان بخشید. آزادی زنان و تساوی کامل آنان با مردان جز با دست طبقه کارگر، جز در جامعه سوسیالیستی و در جریان ساختمان سوسیالیسم امکان پذیر نیست. فقط در جامعه سوسیالیستی است که زنان امکان می یابند کلیه استعداد های جسمی و روحی خود را به کار اندازند و در پروسه تولید اجتماعی فعالانه شرکت جویند. بیهوده نیست که رهائی زنان از هرگونه قید اجتماعی و تساوی حقوق آنان در تمام شئون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یکی از اصول مرامی حزب طبقه کارگر و جزو لاینفک مبارزه این حزب است.

حزب ما که در مسیر انقلاب سوسیالیستی ایران گام بر میدارد بر اهمیت نقش زنان در انقلاب توجه دارد و برای جلب آنها به صفوف خویش، برای بسیج آنان در سازمانهای توده ای به خاطر مبارزه علیه ارتجاع اسلامی و امپریالیسم میکوشد.

حزب ما در برنامه خویش به روشنی از حقوق زنان دفاع کرده و در مسیر استقرار تساوی حقوق زنان و مردان، لغو کلیه قوانین ارتجاعی مذهبی و غیر مذهبی، لغو هرگونه تبعیض و محدودیت بر حسب جنسیت، آزادی پوشش، آزادی ازدواج و انتخاب همسر و ازدواج غیر مذهبی، لغو کلیه قوانینی که به بهانه ناموس ارتکاب جنایت علیه زنان را توجیه میکنند، ممنوعیت فحشا بطور کلی و فحشا مذهبی بنام صیغه گری، آزادی سقط جنین و به رسمیت شناختن این حق برای زنان و.... میکوشد و پیگیرانه در جهت تحقق آن که با برافکندن رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی میسر است گام برمیدارد.

گرامی داشت هشتم مارس یعنی تائید پیکار زنان کارگر جهان در جهت بهبود وضع اقتصادی خود و برابری در حقوق صنفی و سیاسی با مردان، یعنی تائید جنبش های مترقی زنان جهت کسب برابری کامل با مردان، یعنی تائید مبارزه برای رهائی فکر و اندیشه زن از حصار که تفاوت جنسیت بدور او کشیده است، یعنی تائید آزادی، برابری و محو ستم! آنرا گرامی بداریم.

زنده باد هشتم مارس روز همبستگی زنان سراسر جهان!
سرنگون بادرژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بدست مردم ایران!
زنده باد سوسیالیسم این پرچم نجات بشریت!

حزب کار ایران (توفان)

اسفند ۱۳۹۴

www.toufan.org

در حاشیه سفر باراک اوباما به کوبا کوبا به کجا می رود؟

اوباما در سخنرانی اخیرش در کوبا گفت: «... من آمده ام به اینجا که به آخرین آثار دوران جنگ سرد پایان دهم، آمده ام اینجا که دست دوستی به مردم کوبا دراز کنم، اختلافات بین دولت های ما واقعی و مهم است و مطمئن هستم رئیس جمهور راثول کاسترو هم همین طور فکر می کند، کوبا و آمریکا مثل دو برادری هستند که بیگانه شده اند.... ما نمی توانیم اختلافات خود را نادیده بگیریم، کوبا یک سیستم تک حزبی دارد آمریکا یک دموکراسی چند حزبی است.....»

اینکه امپریالیسم آمریکا نقشی استعماری و جنایتکارانه ای در کوبا داشته است و با توسل به تحریم اقتصادی و تلاش های تروریستی برای به زیر کشیدن حکومت مستقل فیدل کاسترو از هیچ تلاشی دریغ نکرده بر کسی پنهان نیست و همه از ماهیت بربر منشانه و تجاوزکارانه آمریکا حکایت دارد. اکنون با توجه به توازن قوای بین المللی و شرایط اقتصادی و تدافعی کوبا، نمی توان اصولا مخالفتی با روابط دیپلماتیک و تجاری و فرهنگی با آمریکا داشت. اما باید تاکید نمود که سیاست باراک اوباما که این روزها در لباس میش ظاهر شده بسیار مودبانه است و از درب دیگر وارد شده و دست از سر مردم کوبا بر نخواهد داشت. اختلاف آمریکا با کوبا بر سر استقلال و

دستاوردهای انقلاب این کشور است که حداقل بهداشت و درمان و آموزش و مسکن را برای مردم تامین کرده است. قصد و نیت آمریکا از احیای این روابط با کوبا تقویت عناصر ضد انقلابی و جریانات متمایل به سیاست اقتصادی «بازار آزاد» است، تا سرانجام دوران طلایی گذشته را مستقرسازد. امپریالیسم آمریکا با توجه به نفوذ اقتصادی و سیاسی چین و اتحادیه اروپا در آمریکای لاتین و به خصوص گسترش روابط دوستانه با کوبا، تاکتیک جدیدی را در مورد کوبا اتخاذ کرده و خود را به ظاهر دوست مردم کوبا جلوه داده است، تا افکار عمومی را بسوی خود جلب کند. اما پرسش این است کوبا تحت چه شرایطی به استقبال رابطه با آمریکا رفته است و اوضاع اقتصادی کشور کوبا در کدام سمت و سو در حرکت است:

۱- نخست باید تاکید نمود که انقلاب کوبا ضربه بزرگی بر امپریالیسم آمریکا در آمریکای لاتین وارد ساخت و استقلال و آزادی را برای زحمتکشان به ارمغان آورد و این انقلاب الهامبخش میلیونها مردم تحت ستم آمریکای لاتین بوده است. کوبا موفق شد با تحولات انقلابی به مسائل مهمی از قبیل بهداشت و درمان و آموزش و خدمات پاسخ درخشانی دهد و نیازهای اولیه ملت را تامین کند. ماهیت انقلاب کوبا دمکراتیک و ضد امپریالیستی بود.

۲- انقلاب کوبا اما در شرایط بروز رویزیونیسم خروشچی و تشدید اختلافات ایدئولوژیک در جنبش کمونیستی رخ داد. حزب کمونیست چین و حزب کار آلبانی در مقابل تزه‌های خانانه و ضد کمونیستی کنگره سپاه بیستم حزب کمونیست شوروی به سردمداری خروشچف پرچم دفاع از استالین و مارکسیسم لنینیسم را بر افراشتند و به زیر بار دکترین کیش "شخصیت استالین" و سوسیالیسم زدائی خروشچف مرتد که چیزی جز احیای سرمایه داری نبود، نرفتند و از سی سال دیکتاتوری پرولتاریا تحت رهبری رفیق استالین قاطعانه دفاع نمودند. کوبا تحت رهبری فیدل کاسترو در نزاعی که در گرفته بود نتوانست جانب دیکتاتوری پرولتاریا را بگیرد و سرانجام به جبهه ضد استالینی و رویزیونیستی خروشچف و شرکاء لبیک گفت به این امید که با کمک های رویزیونیستهای ضد انقلابی به ادامه انقلاب و "استقرار سوسیالیسم" بپردازد. کوبا از همان سال ۱۹۷۲ در شورای تعاون اقتصادی، "کومه کون" تحت رهبری بورژوازی نوحاسته شوروی ادغام شد و اقتصادش را به دم سیاست اقتصادی نو استعماری شوروی گره زد. گرچه شورای تعاون اقتصادی در ۱۹۴۹ تاسیس گردید ولی شوروی مبداء سیاست نو استعماری خود را نسبت به آن در کنگره سپاه بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی در سال ۱۹۵۶ بنیاد نهاد. خروشچف در گزارش خود به این کنگره گفت:

"امروز دیگر لازم نیست که هر کشور سوسیالیستی ضرورتا همه شعب صنایع سنگین را رشد دهد..... اکنون چون در میان کشورهای سوسیالیستی دوستی نیرومندی حکمفرماست، قابلیت دفاع و امنیت آنها می تواند بر قدرت صنعتی مجموعه اردوی سوسیالیسم متکی باشد. هر کشور اروپائی دمکراسی توده ای می تواند در زمینه رشد آن شعب صنعتی و در تولید آن نیمی تخصص یابد که برای آن واجد مقدمات طبیعی و اقتصادی مساعدی است." (تاکید از ما است- توفان).

این سیاست رویزیونیستی در خلال بیش از سه دهه طی مراحل چند جامه عمل پوشید و کشورهای "سوسیالیستی" را به صورت زائده هائی در اقتصاد امپریالیسم نوحاسته شوروی ادغام کرد. سیاست ویرانگر رویزیونیستها بر این امر استوار بود که مواد اولیه و مواد خام صنایع "تخصص یافته این کشورها را در دست خود متمرکز سازند. در آغاز کشورهای دمکراسی توده ای در پی آن بودند که این مواد را از منابع مختلف به دست آورند تا در دام وابستگی نیفتند، اما شوروی به تدریج آنها را از ابتکار بازداشت و خود را به صورت یگانه منبع تحصیل مواد خام و اولیه لازم صنایع آنها در آورد. این سیاست نو استعماری، کشورهای عضو "کومه کون" را به سوی اقتصاد وابسته تک محصولی و صنایع سبک تولیدی سوق داد و آنها را از استقلال اقتصادی باز داشت. چنین سیاست ارتجاعی را می توان در اقتصاد بلغارستان، لهستان، مجارستان و... و کوبا مشاهده کرد. اگر بلغارستان در تولید لبنیات و پنیر بلغاری درجا زد، کوبا نیز به تولید نیشکر به عنوان عمده ترین تولید صنعتی داخلی بسنده نمود و افسار اقتصادی اش را به دست اردوگاه رویزیونیستی سپرد و عملن به زائده اقتصادی و سیاسی اتحاد شوروی تبدیل گشت.

۳- با فروپاشی شوروی سوسیال امپریالیستی در ۱۹۹۱، شورای تعاون اقتصادی، "کومه کون" نیز یکشنبه فروپاشید و کوبا نیز در این بحران فرو رفت. امپریالیسم آمریکا از فرصت بهره جست با تشدید تحریمهای اقتصادی جنایتکارانه تحت رهبری جرج بوش و بیل کلینتون فشارهای مضاعفی را در دو مرحله از سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ بر اقتصاد کوبا اعمال کرد تا این کشور را به زانو در آورد. امپریالیسم آمریکا تمام کشتی های خارجی و هرگونه سرمایه گذاری در کوبا را بطور غیر قانونی متوقف کرد. نتیجه اینکه امروز وضعیت کشاورزی کوبا بسیار اسفناک است. دوسوم از زمین کشاورزی کوبا قابل کشت نمی باشد، نیمی از تراکتورهای کشاورزی فاقد کیفیت لازم برای استفاده هستند. در یک کلام تولیدات کشاورزی هم اکنون در سطح پائین تر از تولیدات کشاورزی در سالهای ۱۹۸۰ است. خودکفائی کشاورزی کوبا حدودا پنجاه درصد است. یعنی ۱۸ درصد از نیروی کار، برابر با ۴ درصد از تولید ناخالص ملی.

در طی سه سال پس از فروپاشی شوروی تولید ناخالص ملی کوبا ۳۴ درصد سقوط کرد. در کل ۴۷ درصد از تولید کشاورزی کوبا سیر نزولی داشته و واردات کوبا از ۸ میلیارد دلار در سال به ۲ میلیارد دلار کاهش یافت. به تبع این سیر نزولی حد متوسط کالری برای هر نفر به ۱۸۵۰ کالری در روز کاهش یافت که به زیر خط مرز حداقل کالری که ۲۱۰۰ کالری است سقوط کرد و موجب کمبود پروتئین در بین مردم زحمتکش گردید.

۴- در بستر فشارهای تحریم خارجی و رکود داخلی، دولت کوبا ناچار گردید دست به رفرمهایی بزند. رفرمهای بورژوازی نظیر گسترش خصوصی سازیها در بخش صنایع کوچک که در سال ۱۹۹۴ آغاز گردید. این خصوصی سازیها به ۲۷ درصد افزایش یافت که ۱۲ درصد از تولید ناخالص ملی را شامل می شود. تا قبل از سال ۱۹۸۹، ۴ درصد از صنایع تولیدی کوچک خصوصی بودند. اکنون روند خصوصی سازیها در حال رشد است و شتاب می گیرد. رکود تولید در بخش صنایع کوچک، فقدان سرمایه کافی و نازل بودن سطح دستمزدها و تقویت انگیزه های مادی و یا ذینفعی مادی برای رشد تولید علل سیاستهای نوین و رفرمهای جدید تعریف شده است که اینروزها از آن بسیار سخن می رود. اکنون دستمزدها در بخش تولیدات دولتی از بخش خصوصی به مراتب نازل تر است و دولت اعلام نمود که امکان افزایش دستمزد در بخش دولتی وجود ندارد. و لذا تمایل بخشهای وسیعی از مردم به سوی بخشهای خصوصی رو به فزون است و دولت نیز خود مشوق این امر است. طبعاً این امر موجب افزایش نابرابریهای اقتصادی در بین مردم می گردد و به تشدید مبارزه طبقاتی می انجامد. شرکت مردم در روند اقتصادی جامعه بسیار پائین است و در رسانه های داخلی نیز کمتر به اینگونه معضلات می پردازند... در بستر چنین شرایط اقتصادی و اجتماعی است که کوبا از احیای روابط دیپلماتیک و تجاری با آمریکا استقبال کرده تا با رفع تحریمهای اقتصادی بتواند به اقتصادش سر و سامان دهد...

اما تجربه تحریم جنایتکارانه کوبا نشان می دهد که هرگز به امپریالیسم آمریکا و هیچ کشور امپریالیستی نمی توان و نباید اعتماد کرد و با اتکا به نیروی مردم و اتخاذ سیاستهای دیپلماتیک صحیح و سودجستن از تضادهای بلوکهای امپریالیستی و سرمایه داری و توازن طبقاتی، می توان در مقابل تجاوز به استقلال و تمامیت ارضی خویش مقاومت کرد و توطئه های نیروهای استعماری را خنثی ساخت. امپریالیستها به هیچ چیز جز به منافع سرمایه مالی خود پایبند نیستند. امپریالیستها هرگز نمی توانند دوست بی غرض کشوری باشند. امپریالیستها همیشه دشمنند. تا امپریالیسم در جهان وجود دارد، امنیت نیست و جنگ نمی تواند از بین رود. امپریالیسم یعنی تروریسم عریان. این واقعیتی است که باید ببینیم. در زمانهای بحران ماهیت این بازیگری های "دموکراتیک" برملا می شود. امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است و خلق کوبا به چنین هیولائی هرگز نباید اعتماد بکند، اگرچه این غول بی شاخ و دم پس از پنجاه سال ترور و توطئه در لباس دوست ظاهر شده حتماً به نماد رهائی کوبا یعنی چه گوارا "مهر می ورزد" و عکس یادگاری بجای می گذارد!! متأسفانه دولت کوبا از موضع ضعف به استقبال روابط اقتصادی و سیاسی با آمریکا رفته و این را آمریکانها به خوبی می دانند و آگاهند که اوضاع اقتصادی کوبا چگونه است و مردم در چه شرایط روحی و اجتماعی به سر می برند. و از این روی تلاش خواهند کرد تا با سرمایه گذاری و تقویت بخش خصوصی و تحریک مردم در این کشور نفوذ کنند و از رقبایی مانند چین و اتحادیه اروپا عقب نمانند.

باید به انقلاب کوبا ارج نهاد و از دستاوردهایش حمایت کرد و امپریالیسم خونخوار آمریکا را باز هم افشا ساخت. واقعیت این است که رهبران کوبا با پیروی از رویزیونیسم شوروی و ادغام شدن در "گومه کون" ضربه مهلکی به اقتصاد و آینده کوبا زده و اکنون میوه تلخش را می چینند. اصولاً هر انقلاب مردمی یا به سوی سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا می رود یا در مرحله اولیه درجا می زند و بورژوازی مجدداً قدرت را در شکلی دیگر به کف می گیرد. شق وسطی وجود ندارد. از طرفی شایان ذکر است که استقرار ساختمان سوسیالیسم در یک کشور کوچک از نظر عملی ممکن نیست مگر این که متحدین نیرومندی در کنارش باشند. کوبا با توجه به رشد جمعیت و مساحتش، با توجه به محدودیتهای فرآورده های داخلی اش، حتماً اگر کشوری سوسیالیستی می بود در شرایط فقدان دژهای سوسیالیستی امکان بقاء طولانی نمی داشت و در محاصره دراز مدت تحریم اقتصادی و گرسنگی و عقب ماندگی صنعتی تاب نمی آورد. ما از اینکه انقلاب کوبا توانست به بخشی از نیازهای مردم پاسخ گوید، به استقلال ملی دست یابد و زورگوئیهای جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا را بر نتابیده و بیش از پنج دهه مقاومت کرده، ارج می نهیم و از خلق کوبا قاطعانه دفاع می کنیم. از انقلاب کوبا و از شکست سایر انقلابات باید آموخت و با تکیه به مارکسیسم لنینیسم خود را برای انقلابات سوسیالیستی آینده آماده کنیم.

آیا پایانی بر این تروریسم متصور است؟

ترورهای بربرمنشانه ای که در بروکسل رخ داد و منجر به کشته شدن قریب به چهل نفر و مجروح گشتن بیش از صد تن از انسان بیگناه گردیده است، محصول طبیعی سیاستهای تروریستی کشورهای امپریالیستی غرب به سرکردگی امپریالیسم آمریکاست که با ویران ساختن و به خاک و خون کشیدن چندین کشور در چند ساله اخیر و با توسل به سازماندهی مالی و نظامی عقب مانده ترین نیروهای مذهبی، شرایطی آفریدند که اکنون شاهدش هستیم. دیروز همین دست پرورده های تروریسم دولتی غرب، در خاک فرانسه جولان دادند و دهها نفر را به قتل رساندند و امروز در پایتخت اتحادیه اروپا در بروکسل جان دهها نفر را گرفتند. حقیقت این است که تجاوز امپریالیستی و صهیونیستی به افغانستان، به عراق، سوریه، لبنان، به فلسطین، به یوگسلاوی، به لیبی، مالی، سودان، به گرانادا و سراسر دنیای سه قاره و... که دولت امپریالیستی و استعمارگر کهنه کار بلژیک نیز در این تهاجم شرکت فعال داشته و دارد و با چپاول و غارت جهان و ایجاد شکافی عظیم و عمیق میان قطب فقر و قطب ثروت، به بیکاری، بی خانمانی، بی دورنمایی، یاس و آوارگی میدان می دهد، دلایل بروز این تروریسم کور است. تروریسم دشمن مارکسیسم است و جنبش مردم و طبقه کارگر را به بیراه می کشد. مبارزه با تروریسم تنها از گذرگاه مبارزه برای تحقق برابری، و استقرار عدالت اجتماعی و پایان دادن به بهره کشی از انسان از انسان عبور می کند. کسی که مدعی مبارزه با تروریسم و ترور در پاریس و بروکسل است و از مبارزه با عدم امنیت در اروپا سخن می گوید نمی تواند نسبت به سرمنشاء این تروریسم که امپریالیسم است به مبارزه بر نخیزد. مبارزه با تروریسم کور جدا از مبارزه با بزرگترین تروریسم دولتی جهان یعنی امپریالیسم آمریکا نیست. تنها با چنین موضع گیری است که می توان ترورهای بربرمنشانه در فرانسه و دانمارک و بلژیک و آمریکا... و همه جای جهان را محکوم کرد بدون اینکه به آلت دست تبلیغات رسانه های امپریالیستی بدل گشت. ولی امپریالیسم بلژیک همانند امپریالیسم فرانسه و سایر دول امپریالیستی غرب قصد ندارد از تروریسم دولتی دست بردارد. کشتار بربرمنشانه و ضد انسانی مردم در بروکسل دستاویز مناسب و "به موقعی" است تا امپریالیسم بلژیک نیز در این دوران بحرانی، با ایجاد حکومت نظامی و تشدید قوانین سرکوب مردم نخست بکوشد بر بحرانا داخلی خویش و تقویت بورژوازی حاکم امپریالیستی دست زده و خود را برای روز قطعی جدال آماده کند. تروریسم خارجی بهانه ای برای تقویت تروریسم داخلی و محدود ساختن پذیرش پناهندگی و دامن زدن به راسیسم و تشدید تبعیض اجتماعی و اسلام هراسی و میدان دادن به نئو فاشیستها در سراسر اروپا شده است. تروریسم داعش یک شبه از آسمان نازل نشده است. این هیولای آدمخوار سالهاست با کمک غرب بلای جان مردم لیبی و سوریه و عراق و... شده و منطقه را به خاک و خون کشیده اند. بیش از ده میلیون از مردم سوریه مجبور به ترک وطن شده و دهها هزار نفر جان باخته اند. کشور مستقل و پیشرفته لیبی را ناتوی آدمخوار ویران ساخت و میلیونها نفر را آواره کرد. دولت بلژیک در تمام این جنایات شرکت فعال داشته و در این کشتار میلیونی سهمیه بوده است. تروریسم داعش که اکنون در خاک اروپا جولان میدهد و این تازه آغاز سحر است محصول تروریسم امپریالیسم است و تا امپریالیسم وجود دارد مبارزه با تروریسم به نتیجه قطعی نمی رسد. در این مطلب کوتاه قصد آن نداریم که به ریشه های پیدایش این پدیده اشاره کنیم که در میان جوانان بی دورنما و تحقیر شده و سرکوب گشته و فاقد هر امید و آینده در اثر بهره کشی نظام سرمایه داری جهانی و سیاست چپاولگرانه امپریالیسم در آفریقا، آسیا بوجود آمده است. اما به هر علتی که این تروریسم ظهور کرده باشد به علت وسعت و دامنه ای که دارد و انبوه مردمی که در بر می گیرد از آن جهت خطرناک است که در شرایط ضعف مبارزات کارگری و احزاب کمونیستی واقعی، رهبری این نارضایتی ها به دست نیروهای بنیادگرا و تکفیری ها افتاده و می افتد که با غوطه ور بودن در تاریکی اندیشه های خویش، همواره به آلت دست امپریالیستها بدل می شوند. آنها درک روشنی از مبارزه طبقاتی نداشته و قادر نیستند دشمنان طبقاتی و مسببان این وضعیت ضد انسانی جهانی را بشناسند و به بنیادگرایی تکفیر روی می آورند. امپریالیستها نیز خواهان تقویت این اندیشه های سیاه ترین نیروهای ارتجاعی هستند تا بتوانند مبارزه طبقاتی واقعی را منحرف کنند. امروز بر سر مزار ده ها بلژیکی که قربانی تروریسم داعش همدست امپریالیسم بلژیک شده اند گل می گذارند و در رسانه های گروهی

آن را نشان داده و تبلیغ می کنند، ولی کسی نیست که بر سر مزار هزاران قربانیان گمنام سوری و لیبیایی و عراقی... و که به دست داعش به قتل رسیده اند گل بگذارد و مانع شود که مدیترانه به گورستان انسانی بدل شود. بشردوستی امپریالیستی مشمئز کننده و ریاکارانه است. برای مبارزه با تروریسم که حزب کار ایران (توفان) آنرا همیشه محکوم کرده است باید امپریالیسم و صهیونیسم را نابود ساخت. فقط دشمنان بشریت الهام گران تروریسم اند و جز این نیز نمی باشد.

سخن هفته

جمعه ششم فروردین ۱۳۹۵

برگرفته از فیسبوک توفان



پیام نوروزی رضا شهابی به مادران داغدیده



سلام و تبریک سال جدید به مادر ستار بهشتی، مادر فرزندان آزاده ایران زمین که ندای آزادی و حق طلبی را فریاد می زند. سلام و تبریک سال جدید به تمام مادران داغدیده ورنج کشیده و منتظر، ماندن مادر سعید زینالی که چندین سال است چشم به راه و گوش به زنگ همچون کوه، استوار ایستاده تا شاید یک روزی فرزند دلبندهش را به آغوش بگیرد.

سلام مخلص همه دوستان و رفقای آزاده و آزادیخواه و برابری طلب؛

سال نو شما مبارک صد سال به این سالها، امیدوارم در این سال جدید هیچ انسان حق طلب و آزاده ای مورد غضب و جفا... دولت مردان قرار نگیرد و در بند نباشند و تمام زندانیان کارگری و سیاسی آزاد شوند و همه در صلح و آرامش با وجود کمی و کاستی ها زندگی مسالمت آمیزی داشته باشند. دوستان بیایید برای ساختن سال خوب و ایجاد تشکل های مستقل و آزاد کارگری و رسیدن به یک زندگی انسانی و شرافتمندانه و آزادی قلم و بیان و حق تجمع و اعتصاب دست در دست هم بگذاریم و باهم متحد شویم، امیدوارم در سال جدید این اتحاد و همبستگی در فضای عملی نمود و شکل واقعی به خود بگیرد، نه اینکه در فضای مجازی دنبال نامه نگاری و شر کردن و پر کردن لیست با اسم ها و حرکت های کاذب باشیم.

هر روزتان نوروز نوروزتان پیروز

پاینده و پیروز باشید

رضا شهابی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

بخشی از پیام تبریک عید زندانیان سیاسی بند ۴ زندان گوهردشت (رجایی شهر کرج)



کارگران زندانی سیاسی بند ۴ زندان گوهردشت در آستانه سال نوپیمای به مردم ایران انتشار دادند که در زیربخشی از این پیام از نظر خوانندگان گرامی میگذرد:

هم میهنان عزیز: عیدتان مبارک

فرا رسیدن بهاری نو و احیاء مجدد طبیعت، هم زمان با فرا رسیدن عید نوروز بر همه هم میهنانمان مبارک و خجسته باد... در سالی که گذشت بار دیگر شاهد قول و قرارهای پوچ و واهی بودیم که به طبیعت این حکومت اقتضای آن را دارد و به موانع موجود اجازه آن را می دهد. چندان زمانی نمی گذرد که خیلی ها به باند رفسنجانی، روحانی دل بسته بودند، بعد به برجام و توافق اتمی دل خوش کردند و آنگاه به وعده برنده شدن جناح "اعتدال" و خلاصه بزک نمیر بهار میاد... و یا انشاءالله این دفعه دیگر گربه است

جهت مزاح و خنده هم میهنان عزیزمان در آستانه عید نوروز و در انتهای این تبریک بهاری ... به عرض می رسانیم که: نوابغ و نخبگان مسئول زندان گمان می کنند که منشاء همه این خطرات از زندانیان سیاسی داخل زندان هاست که اگر این ها را با انبوه محدودیت و قطع ارتباط و ارسال پارازیت متمرکز و جلوگیری از ورود موبایل و ... محدود کنند بحران ها و تهدیدات امنیتی، اقتصادی، بین المللی و منطقه ای حکومت بر طرف می گردد مصداق همان استواری که یکدفعه بعد از سقوط شاه، هنوز خبر به پاسگاه او نرسیده بود و " جاوید شاه" می گفت و مردم را به خاطر اهانت به اعلیحضرت، تویخ می کرد... ما هم دور از چشم این "استوارهای" بی خبر از اوضاع سال نو را به همه هم میهنانمان تبریک و تهنیت می گوئیم...

با آرزوی خلاصی از ستم و اختناق

زنده باد آزادی

نامه اعتراضی جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه علیه خصوصی سازیها و سطح نازل دستمزدها...

"جمعی از کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه، طی نامه‌ای سرگشاده ضمن ابراز اعتراض نسبت به خصوصی سازی، سطح نازل حداقل دستمزد رسمی، قراردادهای سفیدامضا و عدم پرداخت بموقع حقوق خواستار به رسمیت شناخته شدن حق آزادی تشکل و اعتراض شدند.

به گزارش اینلنا در سوم فروردین، در این نامه که چند روز پیش از شروع سال جدید خطاب به مسئولان ارشد دولتی نوشته شده است به نگرانی های کارگران نیشکر هفت تپه در خصوص واگذاری دوباره این مجموعه صنعتی به بخش خصوصی اشاره شده است. در این نامه با اشاره به اصل چهل و چهار قانون اساسی که در زمینه بخش خصوصی است، از واگذاری این واحد صنعتی به بخش خصوصی به مثابه پرتاب در آن سوی بی تکلیفی، بی پناهی در مقابل کارفرماها و حقوق پایین نامبرده شده است. در نامه یاد شده آمده است: «همه ما از زمان واگذاری در بیم و هراس ناشی از نبود امنیت روانی روزگار می گذرانیم و نمی دانیم در آینده قرار است که چه شود؟ به خصوص این که تجربه های تلخ و دردناکی در اطراف ما ناشی از این نوع واگذاری ها به بخش خصوصی وجود دارد. مانند: کارخانه قند دزفول که یک سال بعد از واگذاری تعطیل شد و صدها کارگر اخراج شدند.»

جدا از مسئله خصوصی سازی نیشکر هفت تپه در قسمتی از این نامه از مسئله قراردادهای سفید امضا، پایین بودن مزد و تاخیر در پرداخت مطالبات مزدی به عنوان یکی از معضلاتی نامبرده شده است که کارگران نیشکر هفت تپه نیز مانند دیگر کارگران گرفتار آن هستند. کارگران نیشکر هفت تپه که در عین حال از افزایش ناچیز مزد سال ۹۵ ناراضی هستند، در دنباله نامه خود از مجموعه کارفرمایان خصوصی و دولتی و به ویژه مسئولان ارشد دولتی پرسیده اند که آیا در خود این توان را سراغ دارند که به اتکا به مزد ۸۱۱ هزار تومانی سال ۹۵ بتوانند امورات زندگی خانواده خود در سال جاری را تامین کنند.

همچنین در قسمتی دیگری از این نامه آمده است: حالا که تصمیم دولت بر این است که براساس اصول سرمایه داری کشورهای صنعتی اروپایی و غربی مناسبات اقتصادی جامعه را سروسامان ببخشد، دست کم این توقع وجود دارد که حقوق صنفی کارگران در خصوص برخورداری از مزد عادلانه، آزادی فعالیت های صنفی و داشتن حق اعتراض قانونی از سوی شرکای صنفی کارگری و کارفرمایی آنها به رسمیت شناخته شود.

پیش از این، موضوع خصوصی سازی مدیریت و مالکیت کارخانه نیشکر هفت تپه در واپسین روزهای باقیمانده از سال ۹۴ باعث شکل گیری اجتماعات اعتراضی کارگران این واحد صنعتی شده بود."

.....

در محکومیت حکم زندان علیه رضا شهابی:

فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل (آی تی اف) حکم زندان علیه رضا شهابی را محکوم کرد

در خبری که در سایت آی تی اف در این باره درج شده، چنین آمده است:

آی تی اف حکم غیر قانونی و غیر انسانی زندان علیه رضا شهابی، سندیکالیست ایرانی را محکوم می داند و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط و بازگشت ایشان بر سر کار است.

دادگاه تجدید نظر در ایران در تاریخ ۱۱ دسامبر سال ۲۰۱۵، حکم یک سال زندان برای آقای شهابی را که در ماه مه همان سال در رابطه با اعتراض زندانیان اوین در ۱۷ آوریل ۲۰۱۵، صادر شده بود، تایید کرد.

آقای شهابی، خزانه دار سندیکای کارگران شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه (سندیکای واحد)، در حال حاضر به خاطر وضعیت سلامتی اش بعد از عمل جراحی کمر در سپتامبر ۲۰۱۴، بطور موقت از زندان مرخص شده است. او مجبور شده بود که در خارج از تهران و به دور از همسر و فرزندان اش زندگی کند. در خواست ایشان برای بازگشت به کار از سوی مقامات رد شده است، و این بر خلاف گزارش دولت ایران به سازمان جهانی کار است که در آن گفته شده بود ایشان آزاد شده و به سرکار بازگشته است.

مک اوراتا دبیر بخش حمل و نقل روی زمینی آی تی اف در این باره می گوید:

" برای اکثر ما تصور رنج و آزار و اذیت بی وقفه ای که رضا شهابی تجربه کرده، مشکل است؛ مجازات غیر قانونی و غیر انسانی فقط به خاطر انجام فعالیت های قانونی سندیکایی که در استانداردهای جهانی کار، تصریح و مورد حمایت قرار گرفته است. ما خواهان آزادی فوری آقای شهابی و بازگشت ایشان بر سر کار هستیم. ما به عنوان یک فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری هر کاری که از دستمان بر می آید در حمایت از سندیکای کارگران واحد که عضو ما است در مبارزه اش علیه این سرکوب انجام خواهیم داد. آقای شهابی در ابتدا در سال ۲۰۰۵ به خاطر شرکت در اعتصاب رانندگان، دستگیر و سپس از کار اخراج شد. ایشان دوباره در سال ۲۰۱۰ دستگیر شد و برای ۵ سال از فعالیت های سندیکایی محروم گردید. از آن زمان ایشان ۲۲ ماه را در سلول انفرادی گذراند، مورد ضرب و شتم قرار گرفت و چندین بار دست به اعتصاب غذا زد."

در فوریه سال جاری دبیر کل آی تی اف، استیو کاتن، از رئیس جمهور جدید ایران، حسن روحانی خواست که در رابطه با اذیت و آزار مداوم رهبران سندیکای واحد، داود رضوی و ابراهیم مددی، دست به اقدام بزند.

ترجمه و بازتکثیر از اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران. ۱۰ مارس ۲۰۱۶

گشت و گذاری در فیسبوک

پاسخ به چند سوال

پرسش: آیا جنبش حوثیها سر سپرده رژیم جمهوری اسلامی نیست؟ آیا این جنبش که گفته میشود جنگ بین شیعه و سنی است قابل دفاع می باشد؟

پاسخ: خیر، جنبش یمن وابسته به جمهوری اسلامی نیست! متأسفانه وبا خشم و تآثر فراوان بمباران و سلاخی مردم و ویرانسازی زیرساخت یمن همچنان ادامه دارد و امپریالیستهای غربی همچنان بیشرمانه از بربریت عربستان دفاع میکنند. در رسانه های امپریالیستی غرب جعلیات را بخورد مردم میدهند و از جنگ شیعه و سنی و «مسبب اصلی» این جنگ یعنی جمهوری اسلامی سخن میگویند.... اما جنبش حوثی و قیام مسلمانان شیعه که در واقع دربرگیرنده بسیاری از سنی ها هم می باشد، آفریده رژیم جمهوری اسلامی نیست، همانطور که جنبش اعتراضی مردم بحرین- متأثر از بهار عربی- نیز آفریده رژیم جمهوری اسلامی نبوده است. امپریالیسم آمریکا و متحدینش همواره برای موجه جلوه دادن تجاوزات نظامی و غیر قانونی خود به کشورهای چون لبنان، فلسطین، یمن، بحرین و سوریه، جمهوری اسلامی را به عنوان مسبب این قیامهای ملی که ریشه در بی عدالتیهای ملی و بین المللی دارد معرفی می کند تا با مهندسی افکار عمومی دخالتهای نظامی خود در این کشورها را مشروعیت بخشند و سلطه سیاسی نظامی خود را موجه جلوه دهند. روشن است حمایتهای جمهوری اسلامی از جنبش یمن و هر جنبش دیگری اهداف سیاسی و ایدئولوژیکی مشخصی را دنبال می کند همانطور که حمایتهای آمریکا و اسرائیل و متحدینش از جنبشهای اعتراضی در برخی از کشورهای دیگر نیز دلایل خاص خود را به دنبال دارد. اما با چنین حمایتهایی از بیرون نمی توان ماهیت اجتماعی و عمیق و محقانه این جنبشها را در درون تعیین کرد. جنبش اعتراضی ۲۲ خرداد ۸۸ ایران نه آمریکایی بود و نه اسرائیلی، اگر چه مورد حمایت تبلیغاتی و رسانه ای این کشورها قرار گرفت و گرچه عمال انقلاب مخملی نیز سعی کردند برای کسب رهبری در آن نفوذ کنند. ولی این حمایتهای بیرونی تعیین کننده ماهیت این جنبشها نیست. همانطور که جنبش فلسطین، لبنان و مقاومت سوریه و جنبش بحرین علیرغم موافقت جمهوری اسلامی با آنها، گماشته جمهوری اسلامی نبوده و نیستند، همانطور که کودتای ارتجاعی بر ضد فذافی توسط مزدوران تروریست وارداتی که مورد حمایت بی چون چرای جمهوری اسلامی بود مترقی و انقلابی محسوب نمی شد. اینها جنبشهای سیاسی و استقلال طلبانه علیه نیروهای استعماری هستند و ربطی به حمایت و یا عدم حمایت بهانه ای بنام جمهوری اسلامی ندارند. نباید فراموش کرد که دلایل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تضادهای حاد کنونی در یمن و برآمد جنبش حوثی و کسب قدرت سیاسی در صنعا پایتخت این کشور را باید در تبعیض اجتماعی، در سیاست نئولیبرالی دیکته شده توسط صندوق بین المللی پول و دخالت های بیشرمانه و نفرت انگیز آمریکا و عربستان در امور داخلی یمن جستجو کرد. پیوستن مردم به نیروی حوثی نه بدوا به خاطر مسائل مذهبی، بلکه به دلیل موضع گیریهای سیاسی این جریان در مقابل امپریالیسم و عربستان بوده است که بر محبوبیت آن در بین بخش قابل توجه ای از مردم افزوده است.....

.....

پرسش: نظر کمونیستها در مورد حق انتخابات همگانی چیست؟ آیا این بهترین راه برای رسیدن به آزادی و انسانیت نیست؟

پاسخ: حق انتخابات همگانی در مقابل سیستم استبدادی و فاشیستی بعنوان یک حق بورژوازی امری مترقی است اما باید تاکید نمود که حق انتخابات همگانی آلت سیاد بورژوازی است. دمکراتهای خرده بورژوا خوشباورانه درباره حق انتخاب همگانی طوری تبلیغ میکنند که گویا این حق باوجود دولت کنونی می تواند اراده اکثریت زحمتکشان را واقعا آشکار سازد و اجرایی آنرا تضمین نماید. آنها این توهم را به مردم نیز تلقین می کنند. انگلس با توجه به تجربه سوسیالدمکراسی آلمان آنموقع درباره حق انتخابات همگانی می گوید: نمودار رشد طبقه کارگر بیش از این چیزی از آن عاید نمی شود و باوجود دولت کنونی هیچگاه هم عاید نخواهد شد..... حال این گفته انگلس در مورد ماهیت دولت را که در دوران سرمایه داری شکوفان مورد نظرش بود با دوران دیکتاتوری انحصارات و سرمایه مالی یعنی امپریالیسم مورد نظر است مقایسه کنید تا ببینید که حق انتخابات همگانی در ممالک متروپل چیزی جز آلت سیادت دیکتاتوری بورژوازی امپریالیستی نیست و نمی تواند راه رسیدن به آزادی و انسانیت باشد. این نوع انتخابات که هر چهار سال یکبار برگزار میشود برای تثبیت و جاودانی کردن استثمار است و توده ها در آن هیچ نقشی ندارند. راه رهایی انسان از قید استثمار و ستم سوسیالیسم و استقرار دیکتاتوری پروولتریاست و جز این نیز نمی باشد.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بدست مردم ایران!

توفان شماره ۱۹۳ فروردین ۱۳۹۵ ارگان مرکزی حزب کار ایران منتشر شد.

رفقا، دوستان و یاران مبارز!

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویزیونیسم و ضد انقلاب ترتسکیسم و شبه ترتسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کار ایران (توفان) کمک مالی کنید!

یارهای از انتشارات جدید در کتابخانه اینترنتی توفان:

- * توهین به مقدسات ادیان و برخورد به تروریسم. از انتشارات حزب کار ایران (توفان)
- * "سپمای دیگری از استالین" نوشته "لودو مارتنس"
- * تحریف کنندگان تاریخ، سندی تاریخی از انتشارات دفتر اطلاعاتی شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی
- * درافشای ماهیت "حزب کمونیست کارگری ایران" در دوجلد از انتشارات حزب کار ایران (توفان)
- * تحریف ترتسکیستی رویدادهای تاریخی - نویسنده علی رسولی

*

آدرس سایتها و وبلاگهای مرتبط با حزب

www.toufan.org

لینک چند وبلاگ حزبی

وبلاگ توفان قاسمی

<http://rahetoufan67.blogspot.se/>

وبلاگ ظفر سرخ

<http://kanonezi.blogspot.se/>

وبلاگ کارگر آگاه

<http://www.kargareagah.blogspot.se/>

کتابخانه اینترنتی توفان سایت

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

توفان سایت آرشیو نشریات

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

تویتر توفان در

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

توفان در فیسبوک

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

دست امپریالیستها و صهیونیستها از ایران و منطقه کوتاه باد!